روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴ • ۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۱۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۸:۱۲ • اذان صبح فردا ۴:۳۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۷

مراسم بدرقه و تشییع پیکر «احمد پژمان» موسیقی‌دان و آهنگساز فقید، صبح جمعه (۴ مهر ۱۴۰۴) با حضور برخی مسئولان و جمعی از هنرمندان در مقابل تالار وحدت برگزار شد.
عکس: حسن شیروانی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

موتورسواری زنان و حرمت شرعی

محسن برهانی

سال‌هاست موضوع موتورسواری زنان در کشور تبدیل به مسئله شده است و مخالفان تلاش‌های فراوانی برای استمرار این محرومیت به کار می‌گیرند. معمولا ادعای حرمت شرعی یکی از ادعاهای رایج است. برخی مخالفان ادعا می‌کنند موتورسواری زنان حرام است، بنابراین نباید به زنان اجازه داد موتورسواری کنند. احتمالا اگر این موضوع بخواهد در مجلس و سپس شورای نگهبان مطرح شود، با همین ابزار اقدام به ممانعت خواهند کرد؛ لذا ضروری است از نظر فقهی به این موضوع پرداخته شده و مشخص شود شرعا حکم موتورسواری بانوان چیست؟ از باب مقدمه باید گفت اصل اولیه در تمامی اعمال و رفتار، اباحه است و کسی که مدعی وجود حکم الزام‌آور اعم از وجوب یا حرمت است، باید دلیل اقامه کند. اصل برائت شرعی از مسلمات فقه اسلامی است و شهروندان در انجام هرگونه رفتاری آزاد هستند، مگر آنکه دلیل روشن و متقن شرعی بیاید و حرمت یا وجوب عمل را به اثبات برساند. بنابراین بار اثبات بر عهده مدعیان وجود حرمت است و نه مدعیان اباحه و حلیت. موتورسواری بانوان از موضوعات مستحدثه است و هیچ دلیل و نص شرعی بر ممنوعیت آن وجود ندارد؛ چراکه در زمان شارع که خبری از موتور و موتورسواری نبود. بنابراین باید براساس قواعد موجود و در نظر گرفتن اصل برائت به بررسی ادله‌ای پرداخت که می‌توانند ممنوعیت را به اثبات برسانند. حتی برعکس می‌توان ادعا کرد تفاوتی بین شترسواری، اسب‌سواری و خرسواری با موتورسواری وجود ندارد و با اینکه سوارشدن بانوان بر شتر، اسب و الاغ در زمان شارع رایج بوده، ولی هیچ منعی از آن نشده است. در بحث موتورسواری هم می‌توان از همین ملاک استفاده و امضای شارع از باب «تقریر» را ادعا کرد. صرف‌نظر از ادعای فوق که جنبه ایجابی دارد، ضعف دلایل مدعیان حرکت و حاکم‌بودن اصل برائت، مانع از آن است که زنان را از موتورسواری منع کنیم. دلایل زیر از سوی مدعیان حرکت اقامه شده است.

۱. بی‌حجابی ملازم با موتورسواری است

توضیح آنکه برخی از افراد ادعا می‌کنند زنانی که سوار موتور می‌شوند، نمی‌توانند حجاب خود را نگه دارند و موتورسواری مقدمه بی‌حجابی است، در نتیجه باید موتورسواری را ممنوع کرد تا به بی‌حجابی منجر نشود. اولا، این ادعا که چنین ملازمه‌ای بین موتورسواری و بی‌حجابی وجود دارد، ادعایی باطل است و هزاران موتورسوار زن هم‌اکنون در کشور تردد دارند و حجاب‌شان را هم رعایت می‌کنند. اینکه موتورسوار بخواهد حجابش را رعایت کند یا نه، هیچ ارتباطی به اصل موتورسواری ندارد؛ یعنی برخی موتورسواران زن می‌خواهند حجاب را رعایت کنند و برخی از ایشان چنین اراده‌ای ندارند. بنابراین ادعای ملازمه بین موتورسواری و بی‌حجابی ادعای بلادلیلی است. ثانیا، بر فرض محال اگر بی‌حجابی به‌عنوان ذی‌المقدمه هم محقق شود، باز هم نمی‌توان مقدمه را حرام دانست؛ زیرا از نظر اصولی نمی‌توان به‌خاطر حرام‌بودن ذی‌المقدمه، مقدمه را هم حرام اعلام کرد؛ یعنی حرکت ذی‌المقدمه در اصطلاح به مقدمه ترشح نمی‌کند. این نوع افراط در تحریم مقدمه، نوعی حرمت‌سازی و حرمت‌پنداری به استناد سد ذرائع است؛ مشابه حرمتی که وهابی‌ها درخصوص ورود زنان به قبرستان ایجاد می‌کنند که مبادا زنان وارد قبرستان شوند و ضجه و شیون کنند و سبب جلب توجه نامحرمان شوند!

۲. موتورسواری مصداق تبرج است

برخی ادعا کرده‌اند موتورسواری بانوان مصداق تَبَرج است و شرعا تبرج حرام است. توضیح مطلب اینکه تبرج به معنای «خودنمایی» و «جلوه‌گری» است. این ادعا هم نمی‌تواند برای موتورسواری زنان ممنوعیت تولید کند؛ زیرا: در حکم حرمت تبرج از نظر شرعی بحثی نیست؛ زنان نباید خودنمایی کنند و خویش را بر سایرین عرضه کنند. اما آیا موتورسواری مصداق تبرج است؟ به عبارت دیگر اینجا بحث کبروی مطرح نیست، بلکه بحث صغروی و مصداق‌شناسی مطرح می‌شود. تبرج حرام است، اما چه رفتارهایی مصداق تبرج هستند؟ حاکم در شناخت مصداق «عرف» است و عرف متوسط افراد جامعه مشخص می‌کند که فلان رفتار مصداق خودنمایی هستند یا خیر. به آسانی با مراجعه به عرف می‌توان این مطلب را احراز کرد و قطعا عرف امروز موتورسواری را مصداق تبرج نمی‌داند. بر فرض محال، اگر برخی از افراد آن را مصداق تبرج بدانند و برخی دیگر خیر، یعنی عرف در این مصداق اختلاف‌نظر دارد، در نتیجه موضوع حکم تبرج احراز نشده است و در نهایت اصل برائت جریان پیدا می‌کند.

۳. موتورسواری زنان مایه فساد است

دقیقا مطلب فوق علیه ادعاهایی مانند «مایه فساد بودن» هم کاربرد دارد. صرف‌نظر از اینکه این عبارت مبهم نمی‌تواند مایه تولید ممنوعیت دانسته شود، در اینجا نیز عرف متوسط جامعه حاکم است، فلذا اگر یک مجتهد و یک مرجع تقلید در موضوعی عرفی نظری بیان بفرمایند و این نظر منطبق با قضاوت عرفی نباشد و شخص مکلف عرف را به نحو دیگری احراز کند، احراز مکلف و شهروند از عرف ملاک رفتار است و هیچ ضرورتی در این موضوع عرفی در تبعیت از نظر مجتهدین وجود ندارد و این نکته مورد قبول قریب به اتفاق اصولیان و محققان فقه و اصول است. بنابراین حتی اگر فتوایی علیه موتورسواری وجود داشته باشد، با نگاه فوق ضرورتی بر تبعیت از آن برای مقلدانی که عرف را به نحو دیگری برداشت کرده‌اند، وجود ندارد.

با ملاحظه مطالب یادشده، روشن می‌شود هیچ دلیل قابل اعتنای شرعی بر ممنوعیت موتورسواری زنان وجود ندارد و نباید با برخی مصلحت‌سنجی‌های ایدئولوژیک و غیرشرعی از شریعت مایه گذاشت و شریعت را ابزاری علیه حقوق و آزادی‌های زنان دانست.

شبکه‌خوانی

گزارش مرگ یک زندانی

در خبرها آمده است سمیه رشیدی در زندان قرچک درگذشت. چگونگی این مرگ از دو منظر در حال روایت‌شدن است؛ روایتی که خبرگزاری میزان منتشر کرده و روایتی که هم‌بندانش می‌گویند. این خبر با تیتر «فوت یک متهم با سابقه متعدد همکاری با منافقین در بیمارستان/ جزئیات سوابق پزشکی س.ر و ارتباطات مستمر وی با گروهک تروریستی/ استنکاف خانواده متهم از ارائه وثیقه برای آزادی» ساعت ۱۰:۵۸ روز پنجشنبه سوم مهر در خبرگزاری میزان -قوه قضائیه- منتشر شده است. در متن خبر آمده است: «متهم مورد اشاره، در روز ۲۴ شهریور با علائم تهوع و تشنج به بهداری زندان منتقل شده و پس از انجام اقدامات درمانی اولیه، جهت انجام روند تکمیلی درمان به بیمارستان اعزام شده است. نام‌برده، پس از انتقال به زندان، تحت درمان تخصصی قرار می‌گیرد، اما متأسفانه علی‌رغم اقدامات پزشکان و کادر درمان، صبح امروز بعد از چند روز بستری در بیمارستان فوت می‌کند». البته خبر نکات دیگری نیز دارد؛ این زندانی «در دوران بازداشت هشت بار توسط پزشک عمومی و شش بار از سوی متخصص اعصاب و روان و داخلی ویزیت شده» و «در دوران بازداشت جهت بررسی وضعیت اعصاب و روان دو بار به پزشکی قانونی اعزام شده است».

دوستان و هم‌بندان او درباره مرگش یک بیانیه منتشر کرده‌اند که در متن آن آمده است: سمیه رشیدی «سرشار از میل به زندگی و آزادی بود» و « از بدو ورود به زندان به بیماری صرع مبتلا بود و بارها در برابر چشمان‌مان، به‌ویژه در دو ماه اخیر، دچار تشنج‌های شدید در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت شده و او را پس از انتقال به بهداری، بدون اعزام به زندان بازمی‌گرداندند». برای این زندانی که کارگر خیاط‌خانه بوده، وثیقه سه میلیارد تومانی در نظر گرفته شده است و خانواده او نتوانستند در طول پنج ماه گذشته آن را تأمین کنند.

شرایط او با بقیه زندانیان سیاسی متفاوت بوده است. مژگان ایناللو از این نوشته که فرصت نکرده به داستان زندگی او گوش دهد. او نوشته است: «آن‌قدر لاغر و کوچک و رنج‌دیده بود که وقتی در اتاق یک زندان قرچک آرام و بی‌صدا نزدیک تختم نشست، حتی صدای پایش را نشنیدم. وقتی دید دخترها یکی‌یکی می‌آیند و قصه‌هایشان را برایم تعریف می‌کنند تا بنویسم، در خلوتی اتاق نزدیکم شد و با صدایی آرام گفت قصه من را هم بنویس، من کارگر خیاطی‌ام توی جنوب‌شهر». ایلانلو نوشت: «حرفش را قطع کردم و گفتم ببخشید عزیزم حتما در یک فرصت دیگر پای حرف‌هایت می‌نشینم... الان سردرد دارم. گفت من هم سرم زیاد درد می‌گیرد. لعنت بر من که آن روز پای داستان زندگی سمیه ننشستم... و از او فقط همان قاب ابدی صورت معصومش و عبارت کارگر کارگاه خیاطی در یادم نقش بست».

یکی دیگر نوشته: «چقدر چشمانش پر از غم بود».

دیگری نوشت که چقدر بقیه او را مسخره می‌کردند.

یلدا معیری اما به این نکته مهم اشاره می‌کند که چرا شرایط بهداشتی و پزشکی زندان قرچک مناسب نیست.

او می‌نویسد: «موجود کوچک و بی‌سروصدایی که تا مدت‌ها نمی‌دانستیم کی و چی است، این روزها خبرساز شده است. در شرایطی که در زندان قرچک همه با سروصدا سعی می‌کردند داستان خودشان را تعریف کنند و مهری بر بی‌گناهی‌شان بزنند، سمیه در سکوت تنها نظاره می‌کرد. هفته‌ها طول کشید تا لب به سخن باز کند. سمیه در زندان هم همچون جامعه از طبقاتی بود که دیده نشده بود و صدایشان شنیده نشده بود. زمان برد تا فهمیدیم شرایط اقتصادی مناسبی ندارد و خانواده‌ای در کنارش نیستند تا برای گذاشتن وثیقه هم اقدامی بکنند. پس زمان حبسش طولانی شد و در این مدت بیماری‌های مختلف و ازجمله تشنج‌های گاه‌وبی‌گاه به سراغش می‌آمد. مشکلات جسمی و در کنار آن سختی‌های زندان باعث شده بود شرایط سمیه سخت‌تر شود؛ تا آنجا که باید به دلیل عدم تحمل شرایط زندان از ادامه حبس معاف می‌شد، اما این هم مقدور نبود! سمیه رشیدی همان طبقه محروم اجتماع ما بود! نه تحصیلات داشت، نه پشتوانه خانوادگی، نه درآمد و... . جامعه به جای شنیدن صدایش، مرتب او را طرد و سرکوب کرد. به اعتقاد من برای او دیگر بیرون و داخل زندان تفاوت چندانی نداشت. این جسد، تنها جسد سمیه نیست، جنازه تمام آمال و آرزوهای نسلی است که اکنون در قصابی‌ها دنبال آشغال‌گوشت و در میوه‌فروشی‌ها دنبال میوه‌های گندیده می‌گردد؛ جسد جامعه مستضعف». این پرسش مطرح است که چرا فردی با این مشخصاتی که خبرگزاری میزان برشمرده است، روانه زندان شده و در آنجا نگهداری می‌شود؟ آیا با این شرایط نباید آزاد می‌شد و به شکل دیگری با او رفتار می‌شد؟ بی‌جان‌شدن سمیه رشیدی در زندان قرچک که ماه‌ها و سال‌هاست از کمبود امکانات آن سخن گفته می‌شود، بار دیگر پرسش‌هایی را درباره امنیت و نحوه نگهداری از زندانیان مطرح کرده است.

۱۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون لیتر

شانا: مصرف بنزین کشور در تابستان امسال با ثبت رکوردی تازه و میانگین مصرف ۱۳۴.۳ میلیون لیتر در روز به حدود ۱۲ میلیارد و ۵۰۰ هزار میلیون لیتر رسید. تقاضای مصرف بنزین در تیر امسال با میانگین مصرف روزانه ۱۲۳.۵ میلیون لیتر بنزین آغاز شد و در مرداد به ۱۳۷.۷ میلیون لیتر افزایش یافت و در شهریور با میانگین مصرف ۱۴۱.۷ میلیون لیتر در روز به اوج رسید. تنها در ۲۲ شهریورر حدود ۱۵۵ میلیون لیتر بنزین مصرف شده است.

۲۳۰۰ سال

اجساد باتلاقی اروپا که بقایای انسان‌های باستانی هستند که در مرداب‌ها حفظ شده‌اند، امروزه با وجود ابزارهای پیشرفته پزشکی قانونی اطلاعات تازه‌ای آشکار می‌کنند. مشهورترین نمونه‌شان «مرد تولوند» است که در سال ۱۹۵۰ در دانمارک کشف شد و حدود دو هزارو ۳۰۰ سال قدمت دارد. این جسد چنان سالم مانده که در ابتدا تصور می‌شد قتلی تازه رخ داده است. این اجساد بیشتر در دانمارک، آلمان، ایرلند، هلند و بریتانیا پیدا شده‌اند.

۷۳ میلیون کارت

براساس داده‌های بانک مرکزی ایران، مردم استان تهران تا انتهای سال گذشته ۷۳/۲ میلیون کارت برداشت بانکی داشته است. همچنین تعداد کارت هدیه دریافتی تهرانی‌ها از بانک‌ها به ۲۸ میلیون فقره رسیده است. به‌هرحال اکنون شرایط بیشتری برای دریافت کارت بانکی در نظر گرفته شده است و ارائه خدمات پایه بانکی از جمله صدور کارت، افتتاح حساب و تسهیلات تنها با ثبت اطلاعات ملکی در سامانه املاک و اسکان امکان‌پذیر خواهد بود.

طنزخوانی

خاورمیانه تصور شماست

آیدین سیارسریع

خبر خوب اول این است که رسانه‌ها از قول تام باراک فرستاده فاقد شعور آمریکا در امور سوریه و لبنان تیتر زده‌اند که خاورمیانه اصلا وجود ندارد. دوستانی که دائم گلایه می‌کنند که کاش ما در خاورمیانه متولد نمی‌شدیم توجه بفرمایند که در واقع این تصور شماست که در خاورمیانه زندگی می‌کنید، در حالی که چنین چیزی وجود خارجی ندارد. آقای باراک همچنین گفته چیزی به اسم دولت-ملت در خاورمیانه وجود نداشت و فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها آمدند اینجا را سر و سامان دادند. دستتان درد نکند ولی آخرش هم که آن‌چنان دولت-ملتی در خاورمیانه شکل نگرفت. دیگر چرا اصرار دارید اینجا بمانید؟ (پایتان) را بکشید بیرون دیگر. چرا هی اعصاب خودتان را برای چیزی که وجود ندارد خراب می‌کنید؟ ای دموکراسی‌گستران اخلاق‌محور صلح‌طلب! شما که اصلا برای نفت و منابع و این صحبت‌ها نیامدید اینجا. آمدید مثلا ما را آدم کنید. بهمان دموکراسی و ارزش‌های غربی یاد بدهید. شما تلاشتان را کردید. نشد دیگر. گاهی نمی‌شود. غر زدن ندارد. شکست را بپذیرید و بفرمایید بیرون. خبر خوب دوم اما کلیدخوردن دهمین فیلم اصغر فرهادی است. شاید فکر کنید ما صرفا از نظر سینمایی خوشحالیم که فرهادی همچنان فیلم می‌سازد اما اصلا از این خبرها نیست. ما از این بابت خوشحالیم که فرهادی دیگر در ایران فیلم نمی‌سازد. پای این آدم را کاملا از کشور بریدیم و الان جا برای ما باز شده که بتوانیم شایستگی‌های خودمان را نشان دهیم. شاید بگویید تو که اصلا نه علاقه‌ای به سینمای اجتماعی داری نه درام‌نویسی. تو یک سری فیلم‌نامه کمدی داری که چه اصغر باشد چه نباشد کسی آنها را نمی‌خرد. اجازه بدهید نپذیرم. هر آدم موفقی در هر حوزه‌ای خاری‌ست در چشم من. مثلا تصور کنید الان یک نفر در حوزه استارت‌آپ که خودم و هفت جد من از آن سر در نمی‌آورند یک ایده‌ای را عملیاتی کند و به پول و پله‌ای برسد. من بشخصه تحمل نمی‌کنم. تا این آدم حذف نشود من شب‌ها خوابم نمی‌برد. تا حالا برایتان پیش آمده که فکر کنید در زندگی یک چیزی کم است؟ من معمولا فکر می‌کنم یک نفر زیاد است. به همین جهت اینکه فرهادی ساخت فیلمش را در پاریس شروع کرده برای شما ۸۰ میلیون که نه، ولی برای من خبر خوبی است. خبر خوب سوم این است که دانشمندان گفته‌اند مصرف گردو، خواب را تضمین می‌کند. خبر بد اینکه یک کیلو مغز گردو، نزدیک به یک میلیون تومان است. اگر گردو نخورید ملاتونین در بدنتان ترشح نمی‌شود و شب خوابتان نمی‌برد، اگر هم بخورید درست است که ملاتونین ترشح می‌شود اما فکر و خیال اینکه چرا یک‌دهم پایه حقوق وزارت کار پول گردو دادم اجازه نمی‌دهد بخوابید. پس مثل من که با اصغر و بدون اصغر بدبختم، توی ایرانی هم با گردو و بی‌گردو بی‌خوابی.

رسانه‌خوانی

بازگشت احساسی جیمی کیمل رکورد زد

خبرآنلاین: بازگشت احساسی و بسیار مورد انتظار جیمی کیمل به شبکه «ای‌بی‌سی» در مدت کوتاهی به محبوب‌ترین مونولوگ تاریخ برنامه «جیمی کیمل لایو!» در یوتیوب تبدیل شد. بازگشت جیمی کیمل به آنتن شبکه «ای‌بی‌سی» با افتتاحیه‌ای نزدیک به ۳۰ دقیقه همراه بود؛ بخشی که شامل مونولوگ احساسی او می‌شد. کیمل در این سخنرانی از کسانی که در دوران تعلیق از او حمایت کردند تشکر کرد و تلاش داشت اظهارات بحث‌برانگیزش درباره چارلی کرک را توضیح دهد و بیش از هر چیز، با شور و حرارت از آزادی بیان دفاع کرد. درحالی‌که شبکه‌های همکار «نکست‌استار» و «سینکلر» از پخش این برنامه خودداری کرده بودند و فرصت فروش تبلیغات را از دست دادند، این اپیزود خیلی زود به موفق‌ترین مونولوگ کیمل در یوتیوب تبدیل شد. حساب رسمی برنامه در یوتیوب، تنها در ۱۵ ساعت نخست، ۱۴ میلیون بازدید برای این ویدئو ثبت کرد و این رقم همچنان با میانگین حدود یک میلیون بازدید در ساعت افزایش یافت.

یادداشت

هوای پاک در تعلیق

سعید اعتمادی
کارشناس ارشد حقوق محیط زیست

گرچه در ایران ۲۹ دی‌ماه به‌عنوان روز ملی هوای پاک برگزیده شده که عموما مصادف است با وارونگی هوا و اوج آلودگی و سیاهی، اما شاید انتخاب آن براساس اندرز لقمان بوده که تربیت از بی‌ادبان باید آموخت و اهمیت هوای پاک را از روز ناپاکی و آلودگی شدید هوا. چه هفتم سپتامبر، چه ۲۹ دی‌ماه و چه هر روزی دیگر، هوای پاک در شهرهای بزرگ ایران که سالانه بالغ بر ۳۰ هزار نفر را به کام مرگ می‌برد، کلا در تعلیق و غیبت است و کمتر از ۱۰ روز در سال رخ می‌نماید. بعد از چند برنامه توسعه که در آنها بر رسیدن به کیفیت هوای شهرهای بزرگ به حد استاندارد جهانی تأکید و تصریح شده بود و البته که نشد، بالاخره هوای پاک به سال ۱۳۹۶ دارای قانون مستقل و خاص شد تا فرجی حاصل شود. براساس تبصره ۲ ماده ۸ این قانون، مقرر شده است هرساله اعتباراتی با کارمزد چهار درصد با بازپرداخت ۱۰ساله در بودجه سالانه منظور شود تا موتورسیکلت‌های فرسوده از چرخه تردد و سیاه‌کردن هوای شهرها خارج و با موتورسیکلت‌های نو جایگزین شوند. نه‌تنها در بودجه‌های سنواتی بعد از تصویب و الزامی‌شدن اجرای آن منابعی منظور و تخصیص نیافت، بلکه در برنامه هفتم که به جای توسعه نام پیشرفت بر آن نهاده شد نیز اثر و نامی از آلودگی هوا و تخصیص اعتبار برای حذف منابع آلوده‌ساز موتوری، ازجمله موتورسیکلت‌ها، وجود ندارد. به‌علاوه، با تصویب آیین‌نامه اجرائی قانون ساماندهی خودرو در فروردین ۱۴۰۳ در دولت سیزدهم، وسایل نقلیه موتوری فرسوده و آلوده‌ساز صرفا با ثبت‌نام در سامانه اسقاط تا پنج سال از هرگونه اعمال قانون اعم از جریمه و توقیف به خاطر فرسودگی و نداشتن گواهی فنی معاف شده و بدون هیچ مانع اجرائی می‌توانند آزادانه به تولید انبوه آلاینده‌ها ادامه دهند. از موارد مهم که در آیین‌نامه اجرائی قانون هوای پاک بر آن تأکید شده، الزام شرکت‌های پیک‌موتوری به بهره‌گیری از موتورسیکلت‌های برقی است که در غیر این صورت مجوز فعالیت آنها نمی‌بایست از ابتدای سال ۱۳۹۹ تمدید می‌شد و شرکت‌های جدید هم صرفا با ناوگان موتورسیکلت برقی می‌توانستند جواز کار دریافت کنند.

این دیگر مانند آفتاب روشن است که در ناوگان پیک‌های موتوری که بیشترین تردد و آلایندگی را در شهرها دارند، برای نمونه هم یک موتور برقی نمی‌توان سراغ گرفت و دود و زخم این هم بیش از هرکس به حلقوم و تن راکبان پیک‌های موتوری می‌نشیند که برای امرار معاش خود مجبورند ساعات طولانی در هوای خفقان‌آور رانندگی کنند و بیشترین تصادفات با آسیب‌های بدنی و جانی نصیب آنها شود. از اثرات اثبات‌شده آلودگی هوا، بروز نازایی در مردان و زنان است. در قوانین بودجه و به‌خصوص در برنامه هفتم پیشرفت، طراحی و تدوین دولت سیزدهم، منابع چشمگیری برای فرزندآوری پیش‌بینی شده است؛ رقمی حدود چهار میلیون میلیارد تومان در بودجه سال‌های اخیر. قانونا دولت دکتر پزشکیان ملتزم به اجرای این برنامه است که اساسا نام و نشانی از بختک سیاه آلودگی هوا در آن وجود ندارد؛ اما در جهت همان هدف اصلی فرزندآوری، منطقی است که دولت با ارائه لایحه اصلاحی، بخشی از منابع چشمگیر برای فرزندآوری را برای اجرای تکلیف قانونی ماده ۸ قانون هوای پاک منظور کند تا به این ترتیب از اثرات منفی نازایی و هزینه بسیار زیادی که بر دوش زوجین خواهان فرزند تحمیل می‌شود، کاسته شود. تکلیف قانونی دیگر دولت، در ممانعت از تمدید جواز شرکت‌های پیک‌موتوری است که همچنان از ناوگان فرسوده و بسیار آلاینده موتورسیکلت‌های کاربراتوری بهره می‌گیرند که دیگر نیازی به منابع مالی نداشته و این شرکت‌ها با سودهای هنگفت، به‌راحتی می‌توانند با اعطای وام به نوسازی ناوگان موتوری مورد بهره‌برداری اقدام کنند.

طبیعتا دولت در اجرای این حکم قانونی با مقاومت شرکت‌های پیک‌موتوری و حامیان سیاسی آنها مواجه می‌شود که شاید راهکار دولت پزشکیان در حل معضلات از طریق وفاق، در این زمینه کارساز افتد.